

تاریخ اسلام

○ رامین سلطانی

کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی

دو سه سده بعد وجه استعمارگرانه نیز به خود گرفت. حاصل نگرشی این چنین به اسلام و ملل مسلمان و ممالک اسلامی به وجود آمدن آثاری بود که در غالب آنها شائبه‌های پررنگی از تفاسیر نادرست و گاه کینه‌توزانه از تاریخ و زندگانی پیامبر اسلام، دین اسلام و تاریخ و تمدن ملل اسلامی وجود داشت که نمونه بسیار بارز این‌گونه نگرش، آثاری است که شرق‌شناس بلژیکی، لامنس در مورد اسلام منتشر کرده و در غالب آنها مطالبی موهن و دور از واقعیت به اسلام و پیامبر اکرم (ص) نسبت داد. اما این تمام ماجرا نبود، در کنار این تلاش و کوشش، آثاری نیز در سال‌های قبل از سده بیستم میلادی منتشر گردیدند که با نگرش منصفانه و صبغه علمی، تحقیقی و براساس نسخ خطی و متون کهن اسلامی - که آنها هم در برهه‌ای از تاریخ راه موزه‌ها و کلکسیون‌های شخصی اروپاییان را پیمودند و یا در بازارهای مکاره اروپا مورد خرید و فروش و حراج واقع شدند - به رشته نگارش درآمدند همچون کتاب محمد نه یک متنبی تألیف لایبنتز، بخش‌های مربوط به اسلام در کتاب ظهور و سقوط امپراتوری روم اثر ادوارد گیبون، کتاب آدریان رولت تحت عنوان دیانت محمدی، و کتاب‌هایی از این دست که نشان از آغاز دوره‌ای نوین در شرق‌شناسی و مطالعات اسلامی داشت.

غالب متخصصان شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی را عقیده بر این است با تحولاتی که در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی در عرصه شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی صورت گرفت - از جمله تأسیس و انتشار مجلات تخصصی شرق‌شناسی که اولین آن در آلمان و به کوشش جوزف هامر پورگشتال در سال ۱۸۰۹ میلادی منتشر شد، برگزاری کنگره شرق‌شناسان جهان، ورود دانشمندان امریکایی به عرصه مطالعات شرق‌شناسی به عنوان جریان غیراستعماری در برابر جریان استعمارمدارانه اروپایی، تهیه و ارائه فهرستی از نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های اروپا و تحولاتی از این دست - اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی - در سده بیستم میلادی به نقطه عطف خود رسید که بارزترین جلوه آن چاپ و انتشار دایرةالمعارف اسلام در لیدن هلند و تخصصی شدن مطالعات اسلامی و شرقی بود. از طرف دیگر با رخت برپستن سیمای کریه استعمار از غالب نقاط جهان، خاصه جهان اسلام که به شدت درگیر این مسأله بود، وجه استعمار کلاسیک نیز از سیمای مطالعات اسلامی و شرقی تا حدود زیادی زدوده شده و عرصه بیشتر در اختیار کسانی قرار گرفت که نظرگاه علمی صرف در آثار آنان خود را می‌نمایاند. این سخن البته به مفهوم نابودی کامل استعمار نمی‌باشد بلکه گرایش و جریانی علیحده در اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی پدیدار گردید که بیشتر در آثار اسلام‌شناسان و شرق‌شناسان یهودی و اسلام‌شناسانی که به



- تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج
- زیر نظر پی.ام. هولت و آن. ک. اس. لمبتون
- ترجمه: احمد آرام
- ناشر: امیرکبیر، ۱۳۷۸ ه. ش

پیدایش مطالعات اسلامی در غرب مسیحی ریشه در جنگ‌های صلیبی دارد. معروف است اول‌بار راجر بیکن انگلیسی در نامه‌ای به یکی از آباء کلیسا از ضرورت خاتمه دادن به جنگ‌های صلیبی سخن گفت و از گشودن دوره‌ای جدید در مناسبات میان شرق و غرب یادکرد و آن را «جنگ‌های صلیبی فرهنگی» نامید. شناخت اسلام و مسلمین ابتدا با ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی و لاتین آغاز گردید و پس از آن بود که همزمان با پیشرفت تفکر و اندیشه در دوران رنسانس و عصر روشنگری، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی وارد مسیرهایی جدید و گونه‌گون گردید که می‌توان آن را مصداق کامل سخن بیکن دانست. بدین لحاظ شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی از همان ابتدا با صبغه و هدفی دشمن‌انگارانه آغاز شده و طی

نحوی از انحاء وابسته به حکومت‌ها و سیستم‌های دولتی می‌باشند قابل ردیابی و شناسایی است.

از اتفاقات قابل ذکر سده بیستم در عرصه مطالعات شرق‌شناسی، انجام مطالعات و انتشار کتاب‌هایی در دانشگاه کمبریج انگلستان را می‌توان نام برد که از این مجموعه کتاب‌هایی چون **تاریخ ایران کمبریج و تاریخ علم کمبریج** به طبع رسیده‌اند. آنچه در این مقال بدان پرداخته می‌شود کتاب **تاریخ اسلام** پژوهش دانشگاه کمبریج است که در یک مجلد و بیشتر به صورت خلاصه توسط زنده‌یاد مرحوم **استاد احمد آرام** به فارسی برگردانیده شده است. کتاب فوق زیر نظر **هولت و لمبتون**، دو تن از اسلام‌شناسان نامی و شناخته شده جمع‌آوری گردیده که نظر به تخصص هریک از نویسندگان مقالات مختلف انتظار مجموعه‌ای شکیل و فارغ از مرزبندی‌های مرسوم و تفکرات استعماری در این زمینه را ایجاد می‌نماید.

کتاب از چهار بخش عمده تشکیل شده است:

بخش اول: قیام و استیلاي اعراب؛

بخش دوم: ظهور اقوام ساکن استپ؛

و بخش سوم: سرزمین‌های مرکزی اسلام در دوره عثمانیان؛

بخش چهارم: سرزمین‌های مرکزی اسلام در عهدجدید.

هریک از بخش‌های چهارگانه فوق دارای فصل‌هایی جداگانه نیز می‌باشند. آنچه در نگاه اول بسیار چشم‌گیر و پرسش‌برانگیز به نظر می‌رسد تدوین تاریخ سال‌های اول اسلام، خاصه زندگانی پیامبر اکرم (ص)، خلفای راشدین و دولت‌های اموی و عباسی به صورت بسیار خلاصه و در شکل قلم‌انداز است. باتوجه به اهمیتی که تاریخ پیامبر اسلام و خلفای راشدین و دو سلسله بسیار مهم عربی در سرنوشت بعدی جهان اسلام دارند، انتظار می‌رفت پژوهش در این زمینه از دامنه و گستره بسیار وسیع‌تری از حجم کنونی کتاب برخوردار باشد که برخلاف انتظار این‌گونه نیست. بنابراین می‌توان این شائبه را پیش کشید که اولاً این برهه از تاریخ اسلام نه به صورت عمقی بلکه به صورت سطحی و صرفاً با توجه به عناوین برجسته تاریخ، نگارش شده است. ثانیاً به این ترتیب برخی از نقاط عطف تاریخ اسلام که شاید از نظر مورخین غربی از ارزش چندانی برخوردار نبوده‌اند، از قلم افتاده است.

در بخش اول، پس از گذری اجمالی بر اوضاع عربستان پیش از اسلام، به صورت بسیار اجمالی‌تر مروری بر تاریخ پیامبر اسلام شده و در نهایت اقدامات حضرت محمد (ص) به صورت خلاصه و با پرش‌های فراوان و صرفاً در موضوع وحدت‌بخشیدن به اعراب و حسن خلق و معاشرت پیامبر آمده است. ناگفته پیداست اقدامات و نتایج دعوت پیامبر بسیار بیش از این موارد بوده، خاصه در زمینه سیاسی و پایه‌گذاری قرائت جدید از حکومت که در نهایت موجب پایه‌گذاری یک دوران تاریخی و نقطه عطفی در تاریخ جهان شد.

پس از آن به خلفای راشدین، جنگ‌های رده، فتوح، جنگ‌های داخلی مسلمین و در نهایت خلفای اموی و عباسی پرداخته شده است البته باز به صورت اجمالی و خلاصه. نکته قابل توجه در این بخش گذری بر شعر و فرهنگ در دوران خلفای راشدین و نیز امویان است.

بخش دوم با مبحث تجزیه خلافت اسلامی در شرق و ظهور آل بویه و سامانیان و غزنویان، سلجوقیان و سپس ایلغار مغول به ایران آغاز شده و

پس از بررسی اجمالی دولت‌های بسیار مهم ایوبیان و ممالیک در نهایت سمت و سوی بحث به آسیای صغیر و آناتولی معطوف گردیده و ظهور سلسله‌هایی از ترکان که در نهایت منجر به تأسیس دولت سلاجقه روم و بایلیک‌ها و تشکیل امیرنشین‌های ترک در نواحی غربی آناتولی شد، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آنچه در این بخش موردتوجه بسیار است بحث نه چندان مستوفایی در مورد سلسله‌های بسیار مهم ممالیک بری و بحری و روابط آنان با مغولان و مقاومتی که اینان در برابر مغول کرده و در موضع عین جالوت مغولان را شکست قطعی داده و بخشی از جهان اسلام را از شر مغول رهایی‌بخش می‌باشد که علی‌رغم نهایت درجه اهمیت در تاریخ و تمدن ملل اسلامی مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. جالب‌تر آن که از کنار سلسله مهم فاطمیان نیز گذشته و به جنگ‌های صلیبی که مدت ۲۰۰ سال جهان اسلام و غرب را در برابر یکدیگر قرار داد اشاره چندانی نشده است.

در مقابل، پژوهندگان تاریخ اسلام کمبریج در بخش سوم حق مطلب را در مورد خلافت عثمانی ادا کرده و الحق و الانصاف این کتاب، پژوهنده تاریخ عثمانی را از کتب **هامر پورگشتال و اسماعیل حقی اوزون چارشی لی** به لحاظ خلاصه بودن مطلب، بی‌نیاز می‌کند. بحثی نیز که در مورد روابط عثمانی با فرانسه و انگلیس و نیز برافتادن و انقراض خلافت عثمانی در اختیار خواننده علاقه‌مند قرار می‌دهد، علیرغم آن که بسیار کوتاه است، به دلیل کمبود منابع در خصوص این فصل مهم در تاریخ سرزمین‌های اسلامی در زبان فارسی، قابل توجه و اعتنا بوده و بخشی از نیازهای خواننده فارسی زبان را مرتفع می‌نماید.

این بخش همچنین شامل بررسی بسیار کوتاه تاریخ ایران پس از سلسله صفوی و نیز بررسی قابل توجه تاریخ آسیای مرکزی و حوزه‌های خلیه و خانات بخارا و خوقند و سرنوشت مغولان و پس از آن روابط مسلمانان ساکن در این سرزمین‌ها با دولت زمین‌خوار و دولت‌خوار روسیه تزاری و تسلیم این سرزمین‌ها در مقابل این حریف مرزن‌شناس می‌باشد. اهمیت این مباحث نیز به دلیل کمبود و گاه نبود منابع به زبان فارسی است. بخش چهارم کتاب به سرنوشت کشورهای اسلامی در دوران جدید و به صورت عمده بعد از جنگ اول بین‌المللی و روابط جهان اسلام با شکل جدید استعمار روسیه تزاری (اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سابق) یعنی کمونیسم و انترناسیونالیسم مورد ادعای استالین است. این بخش را می‌توان از خوانندگی‌ترین بخش‌های کتاب حاضر به شمار آورد.

ملاحظه می‌گردد سرزمین‌های هند و آسیای جنوب شرقی و شمال افریقا و اندلس در این کتاب فراموش شده و از عداد سرزمین‌های اسلامی و تاریخ آنها از تاریخ اسلام کمبریج حذف شده‌اند. اگر نگوییم این کار با قصد و غرض قبلی و مشخص انجام نشده و طرحی پشت آن نهفته نیست، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که این سهل‌انگاری فرضی کتاب را از حالت جدی علمی و رسمی که ویژه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه کمبریج به شمار آمده و در کتاب تاریخ ایران کمبریج، خاصه جلد‌های چهارم و پنجم به صورت کامل نمایان است، بیرون آورده و کتاب را بیشتر به شکل داستان ماندنی برای خواننده عمومی غربی درآورده است. نیز می‌توان از اشتباهات و سهل‌انگاری‌های عدیده‌ای سخن در میان آورد که گاه با بسیاری از بارزترین و آشکارترین و بدیهی‌ترین حقایق تاریخ اسلام در تعارض و تنافر هستند.